

قصاص

○ قصاص چیست؟

قصاص در اصطلاح به معنای گرفتنِ حقی، همانند حقی است که بر اثر جنایت مثل قتل و قطع و غیره بر مجنی علیه وارد شده است.

قصاص در لغت به معنای پیروی و تبعیت از اثر است کأنه تقاص کننده اثر جانی را پیروی و متابعت نموده و خواستار تلافی مثل آن جنایت بر جانی است.

○ موجب قصاص نفس چیست؟

«موجیه ازهاق النفس المعصومة المكافئة عمداً و عدواناً»

موجب قصاص نفس، اخراج نفس همتا و محترم از روی عمد و ستم است. لذا قتل مرتد و یا قتل کسی که همتای او نمی باشد، سبب قصاص نمی شود. مثل اینکه فرد آزادی عمداً برده ای را به قتل برساند.

○ قتل عمد چگونه تحقق می یابد؟

ص ۱۳

قتل زمانی عمدی است که شخص عاقل و بالغ از روی قصد، کسی را با چیزی که غالباً کشنده است، بکشد. و عده ای هم گفته اند اگر نادراً هم کشنده باشد، قتل عمد خواهد بود. اگر با چیزی که نادراً کشنده است بدون اینکه قصد کشتن داشته باشد، کسی را به حسب اتفاق به قتل برساند، قتل عمد نخواهد بود. مثل اینکه کسی را با چوب نازک یا با عصا بزند و او فوت کند. ولی اگر ضربات را به طور مکرر وارد کند بطوری که بدن او تحمل آنرا نداشته باشد و یا در آن زمان و مکان تحمل آنرا ندارد مثلاً در سرما و یا گرمای شدید تحمل آنرا ندارد، و بر اثر آن ضربات او فوت

کند، قتلش عمد محسوب می‌شود.

همچنین قتل عمد خواهد بود اگر کسی را به مقدار کمی بزند ولی او تحمل آنرا نداشته باشد و بیمار شود و بر اثر بیماری فوت کند و یا اینکه تیر و یا سنگی سخت به سوی او پرتاب نماید و یا ریسمان را به گردن او بباندازد و فشار دهد و رهایش نکند تا بمیرد و یا اینکه زمین گیر شود و بمیرد و یا اینکه او را در آتش بباندازد. مگر آنکه بداند می‌تواند از آتش خارج شود و یا اینکه او را در دریا بباندازد و یا اینکه او را از مکان بلندی پرت کند و یا اینکه غذای زهرآلودی پیش او بیاورد ولی به او نگوید که غذا زهرآلود است و یا اینکه غذای زهر آلود را در خانه او قرار دهد ولی به او خبر ندهد و یا اینکه چاهی را در سر راهی حفر کند و کسی را که از آن بی‌خبر است از آنجا عبور دهد و او در چاه افتاده و فوت کند. و یا اینکه او را در دریا بیافکند و ماهی او را بخورد. (مشروط به اینکه قصد کرده باشد که ماهی او را بخورد و عده‌ای هم گفته‌اند ولو اینکه این قصد را نکرده باشد) و یا اینکه سگ درنده‌ای را به سوی او رها کند و او را به قتل برساند مشروط به اینکه راه فراری نداشته باشد و یا اینکه او را به سوی شیری بباندازد مشروط به اینکه فرار ممکن نباشد. و یا اینکه سبب شود ماری کشنده او را نیش بزند و او بمیرد. و یا اینکه او را در چاهی که دیگری حفر کرده پرت کند. مشروط به اینکه قاتل از آن چاه آگاه باشد چون اگر از آن آگاه نباشد، قصاص نمی‌شود و یا اینکه شهادت دروغی در مورد او دهد که موجب قصاص او می‌شود و بدان جهت هم او را قصاص کنند مگر آنکه ولی مقتول از کذب شهادت آگاه باشد ولی با وجود این مقتول را قصاص کرده باشد که در این صورت ولی به سبب مباشرت در قتل، قصاص می‌شود.

○ در صورت اکراه بر قتل چه کسی قصاص می‌شود؟

در صورتی که کسی را بر قتل اکراه کنند، مباشر در قتل، قصاص خواهد شد نه کسی که اکراه بر قتل کرده است و فقط او را زندانی می‌کنند تا بمیرد.

اما اگر کودک غیر ممیز یا دیوانه‌ای را بر قتل کسی اکراه نمایند، اکراه کننده قصاص خواهد شد. تحقق اکراه بر کمتر از قتل مثل زخمی کردن، ممکن بوده و فقط اکراه کننده قصاص خواهد شد نه مباشر.

○ اگر گروهی در قتلی مشارکت نمایند چه کسی قصاص می‌شود؟ ص ۲۹

در صورتی که عده‌ای در قتل یکنفر مشارکت نمایند، اگر ولی مقتول بخواهد همه آنها به جهت قتل کشته می‌شوند مشروط به اینکه ولی مقتول، دیه بقیه افراد را به قاتلین بدهد تا آنها بین خودشان بطور مساوی تقسیم کنند. مثلاً اگر سه نفر با همدیگر کسی را کشته باشند، در صورتی که ولی مقتول بخواهد،

همه را قصاص کند، باید دیه دو نفر دیگر را به آنها بدهد تا آنها بین خودشان بطور مساوی تقسیم کنند.

اگر ولی مقتول بخواهد برخی از قاتلین را قصاص کند، باید بقیه قاتلین متناسب با سهمی که در قتل داشته‌اند، دیه مقتول را به قاتلینی که قرار است قصاص شوند بدهند در این صورت اگر مقداری از دیه آنها باقی بماند، ولی مقتول باید آنها بپردازد. مثلاً اگر قاتلین سه نفر باشند و ولی مقتول بخواهد فقط دو نفر قصاص شوند، نفر سوم مقداری از دیه مقتول یعنی یک سوم را به کسانی که قرار است کشته شوند می‌پردازد و بقیه دیه که باقی مانده است توسط ولی جبران می‌شود.

○ اگر دو زن در قتل مردی مشارکت نمایند، کدامیک کشته می‌شود؟ ص ۳۱

در صورتی که دو زن در قتل مردی مشارکت نمایند، هر دو نفر کشته خواهند شد و چیزی به عنوان دیه به آنها رد نمی‌شود چون دیه دو زن به مقدار دیه یک مرد است.

○ اگر دو خنثی در قتل مردی مشارکت نمایند کدامیک کشته می‌شوند؟ ص ۳۲

اگر دو خنثی در قتل مردی مشارکت کنند، هر دو کشته می‌شود ولی نصف دیه یک مرد به آنها پرداخته می‌شود تا در بین آنها تقسیم شود.

○ در صورتی که چند زن در قتل مردی مشارکت داشته نمایند چگونه قصاص می‌شوند؟

اگر چند زن در قتل مردی مشارکت کنند، مقداری از دیه آنها که بیشتر از جنایتشان بوده به آنها رد می‌شود، و آنگاه همگی کشته می‌شوند.

○ اگر یک مرد و یک زن در قتل مردی مشارکت کنند چگونه قصاص خواهند شد؟

در صورتی که یک مرد و یک زن در قتل مردی مشارکت نمایند، هر دو کشته می‌شوند اما ولی مقتول باید نصف دیه مرد را به قاتل مرد بدهد اما به زن چیزی پرداخت نمی‌شود. و اگر فقط زن کشته شود مرد باید نصف دیه مقتول را به ولی مقتول بپردازد. و اگر فقط مرد کشته شود، نصف دیه را زن باید به مردی که قرار است قصاص شود بپردازد.

○ در صورتی که چند برده با یکدیگر مرد آزادی را به قتل برسانند چگونه قصاص می‌شوند؟

در صورتی که چند بنده در قتل مرد آزادی با یکدیگر مشارکت نمایند و ولی مقتول خواستار قصاص آنها شود، همه آنها به قتل خواهند رسید. و اگر قیمت آنها از دیه مقتول بیشتر باشد به هر مقداری که باشد، به آنها رد می‌شود البته به همه آنها رد نمی‌شود بلکه به هر بنده‌ای که قیمت او از

جنایتی که وارد کرده کمتر یا مساوی باشد، چیزی رد نمی‌شود بلکه فقط به بنده‌ای که قیمتش از جنایتش بیشتر است رد می‌شود.

○ در صورتی که مرد آزاد و بنده با هم مرد آزادی را به قتل برسانند قصاص آنها چگونه است؟

در صورتی که مرد آزاد و بنده‌ای با هم مرد آزادی را به قتل برسانند، ولی مقتول حق دارد که درخواست قتل هر دو نفر را بنماید، در اینصورت به مرد آزاد نصف دیه و به مولای بنده، مقدار زیادی (در صورتی که بهای او از نصف خونها بیشتر باشد) پرداخت می‌شود.

در صورتی که مولی خواستار قصاص یکی از آن دو نفر شود مثلاً فرد آزاد را قصاص کند، در اینصورت مولای برده از میان مقدار جنایت او و قیمتش، هر کدام را که کمتر است به فرد آزاد رد می‌کند و اگر کسی که قصاص می‌شود بنده باشد، در صورتی که قیمتش بیشتر از مقدار جنایتش باشد یعنی از نصف دیه حرّ بیشتر باشد باید مقدار اضافی را شخص آزاد به مولای بنده بپردازد و الا باید مقدار جنایت او را که به اندازه نصف دیه حرّ می‌باشد به ولی مقتول رد کند. از آنچه گفته شد، حکم مسأله‌ای را که در آن بنده وزن در قتل مردی آزاد مشارکت داشته باشند (و یا موارد مسائل دیگر) معلوم خواهد شد.

○ شرائط قصاص را بیان کنید؟

ص ۳۸

برای قصاص قاتل باید چند شرط وجود داشته باشد.

۱. قاتل و مقتول از حیث حریت و رقیت برابر باشند.

۲. قاتل و مقتول در دین برابر باشند.

۳. قاتل پدر و یا جد پدری (تا هر مقداری که بالا رود) مقتول نباشد.

۴. قاتل عاقل باشد.

۵. خون مقتول محترم باشد.

○ درباره برابری قاتل و مقتول از حیث حریت و رقیت توضیح دهید؟

برای اینکه قاتل قصاص شود باید قاتل و مقتول از حیث آزادی و بندگی برابر باشند. لذا مرد آزاد در برابر مرد آزاد و زن آزاد قصاص می‌شود. ولی در هنگام قتل زن آزاد، برای قصاص مرد آزاد باید، نصف دیه قاتل را اولیاء زن مقتول به قاتل بپردازند. زن آزاد در مقابل قتل زن آزاد قصاص می‌شود و زن آزاد در مقابل قتل مرد آزاد کشته می‌شود و بنابر اقوی اولیای زن چیزی به اولیای مقتول نمی‌دهند.

در صورتی که مردی یکی از اعضای زن را ناقص کند، زن می تواند در آن مورد مرد را قصاص کند بدون اینکه به مرد چیزی بردارد. البته تا حدی که دیه عضو زن از یک سوم دیه مرد آزاد و یا بیشتر از آن تجاوز نکند، که در این صورت فقط نصف می شود. (دیه مرد آزاد صد شتر است و دیه اعضای زن تا سقف یک سوم این مقدار با دیه مرد آزاد برابر است. ولی اگر از این مقدار بیشتر شود، نصف دیه مرد است لذا اگر مردی یک انگشت زن را قطع کند زن حق دارد مرد را به قطع یک انگشت، قصاص کند و یا اینکه از قاتل ده شتر بعنوان دیه انگشتش بگیرد. و در صورتی که مرد در انگشت زن را قطع کند زن حق دارد دو انگشت مرد را به قصاص قطع کند و یا اینکه از او بیست شتر به عنوان دیه بگیرد. ولی در صورتی که مرد چهار انگشت زن را قطع کند و او بخواهد چهار انگشت مرد را قطع کند، چون مقدار دیه آن از یک سوم دیه مرد بیشتر است به نصف یعنی بیست شتر تقلیل می یابد و اگر زن بخواهد چهار انگشت مرد را قطع کند باید بیست شتر به مرد بدهد و آنگاه انگشتان او را قطع کند.

تبصره

بنده ای که مرد آزاد، زن آزاد، بنده و یا کنیزی را کشته باشد به قتل قصاص می شود. و نیز کنیز به جهت کشتن مرد آزاد، زن آزاد، بنده و کنیز به قتل قصاص می شود. بنا بر قولی اگر بنده ای، بنده دیگری را به قتل برساند، قیمت آنها ملاحظه می شود به این ترتیب که اگر بنده ای که کشته شده هفتاد دینار ارزش داشته باشد و بنده قاتل صد دینار ارزش داشته باشد، در صورتی که مولای بنده مقتول بخواهد قاتل را قصاص کند، باید سی دینار به مولای بنده قاتل بدهد.

تبصره

بر اساس شرط اول (برابری قاتل و مقتول از حیث رقیب و حریت) در قصاص، مرد آزادی که بنده ای را کشته است به قتل قصاص نمی شود. و شیخ طوسی و عده ای دیگر گفته اند در صورتی که قاتل به کشتن بنده عادت کرده باشد، باید برای ریشه کن کردن بی پروائی اش او را به قتل قصاص کرد.

○ آیا مولی به علت کشتن بنده اش کشته می شود؟

در صورتی که مولای بنده و کنیزش را به قتل برساند، کفاره داده و تعزیر می شود. و عده ای گفته اند که اگر به این کار عادت کرده باشد، به قتل قصاص می شود.

تبصره

در صورتی که مرد آزادی بنده یا کنیزی را به قتل برساند و بخواهد قیمت آنرا به مولایش بردارد در بنده اگر بهایش از دیه کامل یک مرد آزاد بیشتر بود پرداخت مقدار اضافی بر او واجب نیست.

در کنیز اگر قیمت او بیشتر از دیه کامل یک زن آزاد باشد، پرداخت مقدار اضافی بر او واجب نیست.

○ آیا مولی ضامن جنایت بنده‌اش می‌باشد؟

اگر بنده‌ای از روی خطا، بر فردی جنایتی وارد کند، مولی ضامن جنایت بنده‌اش نیست. بلکه در این صورت مولی مختار است با پرداخت ارش جنایت و یا قیمت او هر کدام را که کمتر است بنده را از جنایت رهای دهد و یا اینکه او را به مجنی علیه و یا ولی او تسلیم نماید. و در صورتی که بنده عمداً جنایت وارد کند، اختیار با مجنی علیه و یا با ولی او می‌باشد.

تبصره

تمامی احکامی که درباره بنده گفته شد، شامل همه بندگان می‌شود و فرقی بین بنده مدبر، خالص، مکاتب مشروط و مکاتب مطلق (مکاتب مطلق که هنوز چیزی نپرداخته است) نمی‌باشد.

تبصره

در صورتی که مرد آزادی، دو مرد آزاد و یا بیشتر را بکشد، اولیای مقتول راهی جز کشتن او ندارند.

تبصره

در صورتی که مرد آزادی دست راست دو مرد آزاد را قطع کند، دست راست او به جهت دست راست اولی و دست چپش به جهت دست راست فرد دوم قطع می‌شود.

○ اگر بنده‌ای دو مرد آزاد را به قتل برساند او را به چه کسی تسلیم می‌کنند؟

ص ۵۱

در صورتی که بنده‌ای دو مرد آزاد را به قتل برساند اگر قتل دوم بعد از صدور حکم تسلیم بنده به اولیاء مقتول اول باشد، او را به اولیاء مقتول دوم می‌دهند. و الا قاتل در اختیار هر دو قرار می‌گیرد. و نیز همین حکم را دارد، در صورتی که بنده‌ای، دو بنده و یا یک مرد آزاد و یک بنده را کشته باشد.

○ برابری دین قاتل و مقتول برای قصاص به چه مفهومی است؟

یکی دیگر از شروط قصاص این است که قاتل و مقتول باید از حیث دین برابر باشند و بنابراین مسلمان بخاطر قتل کافر کشته نمی‌شود. ولی اگر مقتول، کافر ذمی یا معاهد باشد، قاتل او را تعزیر می‌کنند و غرامت دیه ذمی را به آنها رد می‌کنند. و عده‌ای مثل شیخ مفید و شیخ طوسی و سید مرتضی گفته‌اند که اگر مسلمان به کشتن اهل ذمه عادت کرده باشد، با رد مقدار اضافی دیه از طرف اولیاء مقتول مسلمان قاتل را می‌کشند.

تبصره

مرد ذمی اگر مرد یا زن ذمی را به قتل برساند، کشته می‌شود البته اگر زن مسلمان را کشته باشد،

مقدار اضافی دیه اش به او ردّ خواهد شد و آنرا (که برابر با نصف دیه ذمی است) باید اولیاء زن مقتول به ذمی بدهند تا او قصاص شود و اگر زن ذمی، مرد یا زن ذمی را به قتل برساند، قصاص می شود و چیزی هم به اولیاء مرد مقتول نمی پردازد.

تبصره

اگر مرد ذمی، مرد مسلمانی را به قتل برساند، کشته می شود و بنا بر قولی اموال و فرزندان صغیرش به اولیاء مقتول بر وجه ملکیت داده می شود و ولی مقتول مختار است که قاتل ذمی را برده خودش کند. مگر اینکه مسلمان شود که در این صورت فقط حق دارد او را قصاص کند و نمی تواند مسلمان را به بندگی در آورد هر چند اموالش مصادره خواهد شد.

○ اگر کافری بعد از کشتن کافری مسلمان شود، حکم چیست؟

در صورتی که کافری بعد از کشتن کافر دیگری مسلمان شود، اولیاء مقتول فقط حق دارند از او دیه بگیرند.

○ فرزند زنا اگر مسلمان شود، و بعد توسط دیگری کشته شود، آیا قاتل قصاص می شود؟

در صورتی که فرزند زنا بعد از بلوغ و عقل اظهار اسلام نماید، مسلمان خواهد بود و در این صورت اگر توسط غیر فرزند زنا کشته شود، قاتل قصاص می شود.

○ آیا کافر ذمی بواسطه کشتن مرتد قصاص می شود؟

اگر کافر ذمی مرتد را به قتل برساند، قصاص می شود اما اگر مسلمانی مرتد را بکشد قصاص نمی شود. و نزدیکتر به صواب آن است که بر ذمه مسلمان هیچ گونه دیه ای بواسطه کشتن مرتد، ثابت نمی شود.

○ اگر پدری توسط فرزندش کشته شود، آیا او را قصاص می کنند؟ ص ۶۴

یکی دیگر از شروط قصاص آن است که ابوت و پدری بین قاتل و مقتول منتفی باشد یعنی قاتل پدر مقتول نباشد. لذا پدر و جدّ پدری تا هر چقدر که بالا رود به دلیل کشتن فرزندش کشته نمی شود، بلکه تعزیر شده، کفاره می دهد و دیه را می پردازد. ولی اگر سایر نزدیکان یکدیگر را بکشند، قصاص می شوند. مثلاً اگر فرزندی پدرش را و یا مادری فرزندش را بکشد، قصاص می شود.

○ آیا مجنون و دیوانه به خاطر قتل کشته می شوند؟

یکی دیگر از شروط قصاص آن است که قاتل از حیث عقل کامل باشد. لذا اگر دیوانه فرد عاقل و یا دیوانه دیگری را به قتل برساند، قصاص نمی شود و دیه مقتول هم بر عهده عاقله دیوانه است. اگر

کودک، فرد بالعی را به قتل برساند، قصاص نمی‌شود ولی بالغ به جهت کشتن کودک، به قتل می‌رسد. در صورتی که عاقل، کسی را به قتل برساند و بعد دیوانه شود، قصاص خواهد شد.

○ آیا کسی که نفس غیر محترمی را کشته، قصاص می‌شود؟

ص ۶۶

شرط پنجم از شروط قصاص آن است که خون مقتول محترم باشد لذا اگر فردی، خون کسی را بریزد که شارع خودش را مباح کرده، قصاص نمی‌شود. اگر کسی غیر از ولی مقتول قاتلی را که باید قصاص شود به قتل برساند، کشته می‌شود.

○ چه چیزهایی وقوع قتل را اثبات می‌کند؟

سه چیز وقوع قتل را اثبات می‌کند اقرار، بینه و قسامه

۱. اقرار: اگر کسی یک بار اقرار کند که فلان کس را من کشته‌ام، کفایت می‌کند. البته مشروط به اینکه مقرّ بالغ، عاقل، مختار و آزاد باشد. اگر مفلس و سفیه به قتل اقرار کنند، کفایت می‌کند.

تبصره

در صورتی که کسی اقرار کند که مقتول را عمداً کشته است و دیگری هم اقرار نماید که او را سهواً کشته است، ولی مقتول مختار است که هر کدام را که خواست اختیار کند.

تبصره

اگر کسی اقرار نماید که مقتول را عمداً به قتل رسانده است ولی دیگری اقرار کند که او بی‌گناه است و خودش مقتول را کشته است و مقرّ اول هم از اقرار خودش برگردد، دیه مقتول از بیت‌المال پرداخته و هیچکدام قصاص نمی‌شوند.

چنانکه امام حسن علیه‌السلام در زمان حیات حضرت علی علیه‌السلام اینگونه حکم کرده بود.

۲. بینه: عبارت از دو مرد عادل است. شهادت آنها باید از هرگونه احتمالی مبرا باشد. لذا اگر شاهد بگوید «این مرد، مقتول را زخمی کرد» قاتل بودن او را اثبات نمی‌کند مگر آنکه اضافه کند «و او در اثر آن زخم کشته شد» و در صورتی که بگوید «این مرد خون مقتول را جاری کرد» فقط دامیه «زخمی که پوست بریده شود و گوشت اندکی شکافته گردد» ثابت می‌شود به این معنی که ثابت می‌شود این شخص ضربه‌ای به مقتول وارد ساخته که خودش را جاری کرده است.

شهادت هر دو شاهد باید به گونه‌ای باشد که بر یک وصف توافق داشته باشند بنابراین اگر در زمان و یا مکان و یا وسیله قتل اختلاف داشته باشند شهادتشان باطل خواهد بود.

۳. قسامه: قسامه عبارت از سوگندهای است که بین صاحبان دم تقسیم می‌شود. به این ترتیب که

اگر اولیاء دم مدعی شوند که فلانی قاتل خویشاوندشان می‌باشد، و شاهدهی بر آن اقامه نکنند، باید

خویشاوندان مقتول پنجاه قسم بخورند. قسامه در صورتی ثابت می‌شود که لوٲ باشد یعنی برای اولیاء مقتول شبه دلیلی که صرفاً مفید ظن است وجود داشته باشد مثلاً متهم یک سلاح آغشته به خونی داشته باشد و یا اینکه مقتول در خانه متهم افتاده باشد. و در غیر اینصورت متهم با یک قسم از خودش رفع اتهام می‌کند و در صورتی که از قسم خودداری کند، مدعی یک قسم می‌خورد و حقّ علیه منکر ثابت می‌شود.

لوٲ دلیل بر واقع نیست بلکه صرفاً علامت و نشانه‌ای است که سبب ظن و گمان به صدق مدعی می‌شود. مثل آنکه در دست متهم سلاحی باشد که آغشته به خون است. و یا اینکه مقتول در خانه گروه و یا روستایتشان و یا بین دو روستای یافت شود که نزدیکیشان به مقتول یکسان است. و نیز مثل اینکه یکنفر عادل بر علیه قاتل شهادت دهد. ولی شهادت کودک، فاسق و کافر فائده‌ای ندارد. اما اگر گروهی از زنان و مردان فاسق شهادت دهند، مشروط به اینکه گمان و ظن به صدق گفتارشان حاصل شود، افاده لوٲ می‌نماید.

○ در صورتی که مقتول در محل اجتماعات بزرگ و یا در راهی یافت شود، دیه‌اش

بر عهده کیست؟

در صورتی که مقتول در اجتماع بزرگ، سرراه، بیابان، در محل ازدحام جمعیت بر روی یک پل کوچک یا بزرگ، بر سر چاه، برکه و ... یافت شود، دیه‌اش از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

تبصره

در هنگام قسامه تعداد قسمها در قتل عمد و خطا همان پنجاه قسم به خداوند است. اگر مدعی دارای قومی باشد چه این خویشاوندان وارث باشند و چه نباشند و تعداد آنها به پنجاه نفر برسد، هریک از آنها یک قسم یاد می‌کند و اگر تعدادشان کمتر باشد، چند بار قسم یاد می‌کنند تا به پنجاه قسم برسد.

○ آیا قسامه در جنایت بر اعضاء هم ثابت می‌شود؟

اگر جنایت بر اعضاء وارد شده باشد در آنجا هم قسامه ثابت می‌شود که تعدادش بستگی به نسبت دیه عضو به دیه نفس دارد. لذا اگر دیه عضوی برابر با دیه نفس می‌باشد، پنجاه قسم یاد می‌کند. و اگر دیه‌اش نصف دیه نفس باشد، قسامه‌اش بیست و پنج قسم است.

○ اگر مقتول خویشاوندی نداشته باشد که برای او قسم یاد کنند حکم چیست؟

در صورتی که مقتول خویشاوندی نداشته باشد که قسم یاد کنند و یا خویشاوندانش از قسم خوردن خودداری نمایند، منکر و خویشاوندانش پنجاه قسم یاد می‌کنند.

و اگر آنها از قسم خوردن خودداری نمایند، اتهام در مورد آنها ثابت خواهد شد. و شیخ طوسی در کتاب مبسوطش گفته است متهم می‌تواند، قسم را به مدعی رد نماید که در این هنگام اگر مدعی یک قسم یاد کند، اتهام اثبات می‌گردد.

مستحب است حاکم قبل از قسم خوردن طرفین، آنها را نصیحت نماید. سکونی از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است که حضرت پیامبر صلی‌الله‌علیه و آله کسی را که متهم بود به مدت شش روز زندانی می‌کرده است در این مدت اگر اولیاء مقتول بینه اقامه می‌کردند، بر اساس آن حکم می‌کرد و در غیر اینصورت متهم را آزاد می‌کرد.

○ موجب قصاص عضو و شرائط آن چیست؟

ص ۷۶

موجب قصاص عضو آن است که کسی از روی قصد و عمد عضوی از اعضای دیگری را تلف کند (چه با وسیله ای اینکار را انجام دهد که معمولاً با آن عضوی را تلف می‌کنند و یا با غیر آن) قصاص می‌شود. شروطی که در قصاص عضو معتبر می‌باشد همان شروطی است که در قصاص نفس گفته شد. و علاوه بر آن باید عضوی که قصاص می‌شود با عضوی که تلف شده برابر باشد. و از حیث سلامت و عدم آن یکسان باشند لذا دست سالم را در برابر دست فلج و شل قصاص نمی‌کنند هر چند آنرا جانی در اختیار مجنی علیه قرار دهد. چون بذل او مجوز قطع چیزی که شارع به آن دستور نداده نمی‌شود. اما دست فلج را در برابر دست سالم بریده می‌شود چون کمتر از حق مجنی علیه است. مگر آنکه خوف سرایت باشد که در این صورت فقط دیه واجب خواهد شد.

تبصره

دست راست را در مقابل دست راست قصاص می‌کنند، مگر آنکه دست راست جانی قطع باشد که در این صورت دست چپش را قطع می‌کنند و در صورتی که دست چپ او هم قطع باشد، بنابر روایت پایش را قصاص می‌کنند.

○ قصاص در چه زخمها و جراحاتی ثابت می‌شود؟

در زخمهای زیر قصاص ثابت می‌شود.

۱. حارصه: زخمی که در آن پوست سر شکافته شود.
۲. باضعه: زخمی که در آن گوشت سر فرو رفتگی پیدا کند.
۳. سمحاق: زخمی که از پوست گذشته و به پوست نازکی که بر روی استخوان سر می‌باشد، رسیده

باشد.

۴. موضحه: زخمی که به استخوان رسیده و سفیدی استخوان نمایان شده باشد.

در هنگام قصاص این زخمها در سر و صورت، طول و عرض آنها رعایت می‌شود. ولی رعایت عمق آنها معتبر نیست بلکه به همین مقدار که نام همان زخمی که جانی وارد کرده، بر زخمی که بر اثر قصاص بر جانی وارد می‌گردد، صدق کند، کافی است.

○ آیا قصاص بر هاشمه و منقله هم صحیح است؟

اگر جنایت وارده بر بچنی علیه هاشمه (زخمی که سبب شکستن استخوان می‌شود) و منقله (زخمی که باعث می‌شود که استخوان جابجا شود) باشد، جانی قصاص نمی‌شود چون احتمال هلاکت جانی می‌رود. بهتر است بچنی علیه تا قبل از بهبودی جراحات، جانی را قصاص نکند بلکه صبر کند تا بهبودی حاصل شود.

○ قصاص چگونه اجرا می‌شود؟

قصاص را فقط بوسیله آهن اجرا می‌کنند به این ترتیب که جراحات را اندازه گرفته و دو طرف آنرا در عضو جانی علامت می‌گذارند و بعد از یک طرف به طرف دیگر به همان اندازه آنرا می‌شکافند. در صورتی که بیشتر از آن شکافته شود در صورت عمد قصاص خواهد شد و در صورت حطا باید دیده‌اش را ببردازد.

قصاص عضو را از هوای سرد و یا گرم به زمانی که هوا معتدل است تأخیر می‌اندازند.

تبصره

در صورتی که کسی چشم کسی را کور کند، قصاص می‌شود و در صورتی که جانی یک چشم داشته باشد ولی بچنی علیه دو چشم داشته باشد چشم جانی را در می‌آورند ولو اینکه منجر به نابینایی کامل او شود و لازم نیست که قصاص کننده چیزی به جانی رد کند.

در صورتی که جانی دو چشم داشته باشد و چشم کسی را که یک چشم دارد درآورد، فقط یک چشم او را از باب قصاص در می‌آورند. و عده‌ای (ابن جنید و شیخ طوسی و عده‌ای دیگر) هم گفته‌اند که علاوه بر قصاص جانی باید نیمی از دیده را به بچنی علیه ببردازد.

تبصره

در صورتی که فردی سبب از بین رفتن نور چشم فردی دیگر بشود بطوری که حدقه چشم او سالم باشد، عده‌ای گفته‌اند، پنبه نمناکی را بر روی پلکهای جانی می‌گذارند و بعد او را در مقابل آینه داغی در روبروی خورشید قرار می‌دهند و او را مجبور می‌کنند که چشمانش را گشوده به آینه نگاه کند، تا نور چشمش از بین برود و حدقه‌اش سالم باشد.

تبصره

قصاص در مورد کندن مو هم ثابت می‌شود مشروط به اینکه همانندی با جنایت ممکن باشد.

تبصره

اگر جوان آلت تناسلی پیرمردی را قطع کند، آلت تناسلی او را از باب قصاص قطع می‌نمایند و آلت تناسلی کسی که ختنه شده به آلت تناسلی کسی که ختنه نشده قصاص می‌شود.

تبصره

در مورد هر دو بیضه و یا یکی، قصاص ثابت است. مشروط به اینکه در قطع آنها خوف از بین رفتن منافع دیگر نباشد که در این صورت دیه ثابت می‌شود.

تبصره

گوش سالم به گوش کر قصاص می‌شود.

تبصره

بینی سالم به بینی ناسالم قصاص می‌شود. اگر یکی از دو سوراخ را قطع کند، یک سوراخ بینی‌اش را از باب قصاص قطع می‌کنند. و البته سوراخ چپ در برابر سوراخ راست در برابر سوراخ راست.

○ قصاص دندانها چگونه انجام می‌گیرد؟

ص ۸۶

دندان را در مقابل مثل همان دندانی که کنده شده قصاص می‌کنند. در صورتی که دندان کنده شده، دوباره در آید، دیگر قصاص ندارد. در صورتی که دندان به طور معیوب در آید، ارش (تفاوت بهای دندان سالم و معیوب) ثابت می‌گردد. برای قصاص دندان کودک مدتی صبر می‌کنند، اگر دندانش دوباره در نیامد، در آن قصاص جاری می‌کنند و اگر دندانش دوباره در آید ارش ثابت می‌شود. و نیز در صورتی که کودک قبل از ناامید شدن از روئیدن دندان فوت کند، ارش ثابت خواهد شد. در هنگام قصاص دندان لازم است که مشابَهت رعایت شده و دندانی که قصاص می‌شود از نوع دندانی باشد که جانی کنده است. بنابراین دندان سن در مقابل دندان کرسی قصاص نمی‌شود و برعکس. و نیز دندان اصلی در برابر دندان فرعی قصاص نمی‌شود. همانطوری که رعایت مشابَهت در دندانهای اصلی معتبر بود همچنین رعایت مشابَهت در دندانهای فرعی هم معتبر است.

تبصره

بطور کلی اگر عضوی که قرار است قصاص شود، مفقود باشد، حق قصاص تبدیل به دیه می‌شود و جانی باید دیه‌اش را به جنی علیه بپردازد.

تبصره

در صورتی که کسی انگشت مردی و دست مرد دیگری را قطع کند، در صورتی که اول انگشت را

قطع کرده باشد، نخست انگشت او را قصاص می‌کنند و بعد دستش را قطع می‌کنند اما اگر اول دست را قطع کرده باشد و بعد از آن انگشت دیگری را قطع نموده باشد، ابتدا دستش را قطع می‌کنند و بعد چون محل قصاص انگشت از بین رفته است باید جانی دینه آنرا به کسی که انگشتش را قطع کرده بود بپردازد.

○ آیا اولیاء مقتول در قتل عمد بین اخذ دیه و قصاص مخیر هستند؟ ص ۸۹
در قتل عمد قصاص متعین است نه اینکه بین قصاص و دیه مخیر باشند. اما مصالحه بر دیه جایز است. لذا طرفین می‌توانند بر مبلغی بیشتر و یا کمتر از دیه مصالحه نمایند. در صورتی که اولیاء دم بر دیه مصالحه نمایند بنا بر وجهی پرداخت آن بر جانی واجب است چون حفظ جان ولو بر جانی واجب است و حفظ جانش در اینجا مشروط به پرداخت دیه است.

تبصره

در صورتی که جانی جنایتی بر عضو فردی وارد نماید و بعد بجنی علیه فوت کند ولی مشخص نباشد که آیا او بر اثر جنایت وارده مرده است یا به علت دیگری؟ قصاص ثابت نمی‌شود.

تبصره

در موقع قصاص مستحب است که دو شاهد عادل را حاضر کند تا در انجام قصاص رعایت عدل و انصاف شده باشد و از ایجاد اختلاف بین ولی و جانی جلوگیری شود.

تبصره

ابزاری که با آن قصاص انجام می‌گیرد باید بررسی شود تا مبادا زهر آلود گردیده باشد. خصوصاً در مورد قصاص عضو. و اگر به علت زهر آلود بودن وسیله قصاص، جنایتی متوجه جانی گردد، قصاص گیرنده ضامن است.

○ قصاص با چه وسیله‌ای انجام می‌گیرد؟

قصاص فقط با شمشیر انجام انجام می‌گیرد و با آن فقط گردن جانی را قطع می‌کنند نه جای دیگر. جائز نیست که جانی را مثله کنند، اگر چه جانی مقتول را بوسیله مثله کردن، غرق کردن، سوزاندن و یا انداختن جسم سنگینی بر رویش، کشته باشد. شیخ طوسی در نهاییه و اکثر متأخرین گفته‌اند که اگر جانی مقتول را با چند ضربه کشته باشد، مثلاً اول دستش را قطع کرده باشد و بعد پایش را و بعد او را کشته باشد، به همین ترتیب او را قصاص می‌کنند.

قصاص با وسیله کُند، انجام نمی‌شود و در صورتی که او را با مثلاً شمشیر کُند قصاص کند، گناه کرده است.

تبصره

در صورتی که قصاص سرایت نموده و موجب مرگ جانی گردد، قصاص کننده اگر تعدی کرده باشد ضامن و اگر تعدی ننموده باشد، ضامن نخواهد بود.

○ اجرت مجری قصاص به عهده چه کسی است؟

اجرت کسی که قصاص می کند از بیت المال پرداخت می شود و اگر بیت المال نباشد و یا اینکه مورد دیگری است که مصرف در آن مهتمتر می باشد، باید اجرت را جانی بپردازد.

○ آیا حق قصاص به ارث برده می شود؟

حق قصاص به تمام وراثت اموال مقتول (عصبه و غیر آن) به غیر از همسر، به ارث منتقل می شود. عده ای گفته اند که حق قصاص فقط به عصبه مقتول (پدر و خویشاوندان ذکور پدری) به ارث می رسد و دیگران حق در آن ندارند.

✍ آیا ولی مقتول می تواند خودش شخصاً جانی را قصاص کند؟ ص ۹۸

برای ولی مقتول اگر یکنفر باشد، جائز است که خودش شخصاً بدون اجازه امام، جانی را قصاص کند. هر چند بهتر آن است که خصوصاً در مورد قصاص عضو، از امام اجازه بگیرد.

✍ در صورتی که مقتول چند ولی داشته باشد، اجرای قصاص مشروط به اجازه همه آنها است. شیخ طوسی و سید مرتضی و جماعتی گفته اند تعدادی از اولیاء مقتول که حاضر هستند می توانند جانی را قصاص کنند منتها نسبت به سهم دینه غائبین، ضامن هستند.

○ آیا ولی می تواند با وجودی که فرزند مقتول صغیر است جانی را قصاص

ص ۹۹

کند؟

✍ در صورتی که مقتول دارای فرزند صغیر باشد، پدر و جد پدری اش، حق ندارند که جانی را قبل از بلوغ فرزند صغیر، قصاص کنند. و عده ای هم گفته اند که باید رعایت مصلحت شود اگر قصاص دارای مصلحت باشد جانی را قصاص می کنند و اگر تأخیر، مصلحت باشد قصاص جانی را تا دوران بلوغ فرزند، تأخیر می اندازند. دیوانه هم حکم صغیر را دارد.

تبصره

✍ در صورتی که بعضی از اولیاء مقتول بر دیه مصالحه نمایند، قول مشهورتر آن است که حق بقیه در قصاص جانی محفوظ است و در صورتی که اینها قصاص را اختیار کنند، سهم مصالحه کنندگان را باید به آنها رد نمایند.

○ اگر پدر و بیگانه در قتل فرزند مشارکت نمایند قصاص بر کدامیک جاری می شود؟

در صورتی که پدر و بیگانه باهمدیگر در قتل فرزند مشارکت کنند، بیگانه قصاص می شود و پدر مقتول باید نصف دیه را به او بدهد. این حکم در موردی هم که یکی از روی عمد و دیگری از روی خطا در قتل کسی مشارکت داشته باشند صادق است. به این ترتیب که از سوی عاقله قاتلی که از روی خطا در قتل مشارکت نموده نصف دیه به جانی ای که از روی عمد مشارکت در قتل داشته پرداخت می شود.

○ آیا محجور می تواند استیفاء قصاص کند؟

شخصی که از تصرف در اموالش محجور شده است، اگر بالغ و عاقل باشد، حق استیفاء قصاص برای او جائز است و نیز می تواند جانی را مورد عفو قرار داده و با او در مورد مالی مصالحه کند. هر چند مال را به خود او نمی پردازند.

○ آیا ولی مقتول مدیون، حق قصاص دارد؟

در مورد اینکه آیا ولی مقتول مدیون، بدون تعهد و ضامن شدن از دین او می تواند جانی را قصاص کند یا نه؟ دو قول است. قول صحیحتر آن است که قصاص جائز است ولی شیخ طوسی و عده ای قائل شده اند که قصاص جائز نیست بلکه باید دیه را بگیرد و به طلبکاران پردازد.

○ آیا ولی می تواند برای قصاص وکیل بگیرد؟

ولی مقتول می تواند برای استیفاء حق قصاص، وکیل بگیرد و در صورتی که ولی وکیل را بر کنار کند اما وکیل قبل از اطلاع، جانی را قصاص کرده باشد، چیزی بر عهده اش ثابت نیست.

تبصره

در صورتی که جانی زن حامله ای باشد صبر می کنند تا او وضع حمل کند و بعد او را قصاص می کنند. در مورد حامله بودن یا عدم آن قول زن قبول می شود اگر چه قابله ها به آن شهادت ندهند.

تبصره

در روایت است که در صورت هلاک شدن جانی، دیه از اموال او برداشته می شود و اگر مالی نداشته باشد، خویشاوندان او به ترتیب قرب و نزدیکی به جانی، دیه را به ولی مقتول می پردازند.

دیات

تبصره

دیات جمع دیه است. دیه از «ودی» است. که «ها» عوض «واو» محذوف است. دیه به معنای خونبها است. «ودیت القتیل» یعنی خونبهای مقتول را داده‌ام.

○ بطور کلی دیه در چه موردی ثابت می‌شود؟

بطور کلی دیه اصالتاً فقط در خطای محض و شبه خطا ثابت می‌شود. خطای محض مانند اینکه به طرف حیوانی تیراندازی می‌کند ولی به انسانی برخورد کرده او را می‌کشد. و شبه خطا مانند اینکه فردی را به قصد تأدیب می‌زند ولی منجر به مرگش می‌شود.

● ملاک و ضابطه تشخیص عمد، خطا و شبه عمد چیست؟

عمد آن است که شخصی از روی قصد و تعمد و با ابزار مناسب فعلی را انجام دهد. مثلاً با تفنگ پر و آماده و به قصد کشتن شخصی خاص به سوی او شلیک و او را می‌کشد. و در حکم عمد است موردی را که فردی قصد قتل ندارد اما از روی تعمد و یا ابزاری که غالباً کشنده می‌باشد، مقتول را هدف قرار می‌دهد و او کشته شود.

خطای محض آن است که شخصی بدون قصد و بدون تعمد به قتل، کاری انجام دهد که کاملاً بطور اتفاقی و تصادفی منجر به مرگ مقتول شود. مثلاً شخصی به سوی پرنده‌ای تیراندازی می‌کند. اما تصادفاً به فردی اصابت کرده، منجر به مرگش می‌شود.

و خطای شبیه به عمد و یا عمد شبیه به خطا جای است که فعلی را از روی تعمد انجام می‌دهد، ولی در قصد خطا می‌کند. بعبارت دیگر، فعلی را از روی تعمد و قصد انجام می‌دهد اما در قصد دچار اشتباه شده و چیزی را که قصد نداشته واقع می‌شود. لذا در صورتی که معالجه پزشکی موجب اتلاف جان و یا عضوی از بیمار گردد، ضامن آن بوده و باید دیه‌اش را بپردازد و لو اینکه بطور کامل تلاش و احتیاط کرده است و از بیمار هم اجازه گرفته باشد ولی در صورتی که بیمار، ذمه پزشکی را بری کرده باشد، قول نزدیکتر به صواب برائت ذمه پزشکی است.

تبصره

در صورتی که کسی در خواب جنایتی بر کسی وارد نماید، خطای محض بوده و از اموال عاقله‌اش ضامن است. شیخ طوسی گفته است از مال خودش ضامن است.

تبصره

در صورتی که کسی باری را حمل کند و بار به کسی اصابت کرده موجب جنایتی شود، از مال

خودش ضامن خواهد بود.

تبصره

اگر شوهری با همسرش با سختی و درستی جماع کند و یا او را طوری در بغل بگیرد که سبب وار آمدن جنایتی بر او شود، از مال خودش ضامن است.

تبصره

اگر کسی بر کودک یا دیوانه یا بیمار و یا شخص سالم بطور ناگهانی و غفلت آنها، فریاد بزند بطوری که موجب پدید آمدن جنایتی بر آنها شود، دیه‌اش از اموال جانی است و شیخ طوسی گفته است بر عهده عاقله‌اش می‌باشد.

تبصره

در صورتی که کسی خود را طوری به دیگری بکوبد که موجب وارد آمدن جنایتی بر دیگری شود، دیه مصدوم بر عهده جانی است اما اگر خودش در این برخورد، فوت کند، خودش هدر است. اما اگر مصدوم در مکانی که نباید باشد ایستاده باشد بطوری که صدمه زننده نتواند او را رد کند و بر اثر تصادم با او خودش کشته شود، مصدوم (کسی که در آن محل ایستاده بود) ضامن است.

تبصره

در صورتی که دو نفر آزاد و حرّ به همدیگر برخورد کنند و هر دو فوت نمایند، برای وارث هر کدام از آنها نصف دیه خواهد بود و نصف دیگر ساقط می‌شود. و در صورتی که اسبهای آن دو بمیرد، نیمی از بهای اسب هر کدام، بر عهده دیگری است لذا هم در دیه و هم در بهای اسب آنها تقاص واقع می‌شود. و اگر آن دو نفر بنده بالغ باشند، خونشان هدر است.

تبصره

اگر کسی که می‌خواهد تیراندازی کند، قبل از آن خبردار بگوید و یا بهر وسیله از تیراندازی آگاهی دهد، در صورتی که تیر تصادفاً به کسی اصابت کند، ضامن نیست مشروط به اینکه بجنی علیه آنرا شنیده باشد.

تبصره

در صورتی که خودش را از یک بلندی بر روی کسی بیاندازد و سبب فوت او شود اگر عمل غالباً موجب مرگ می‌شود، قتل او شبه عمد است. اما اگر از روی اضطرار و اجبار افتاده باشد و یا قصد داشته باشد روی کس یا چیز دیگری بیافتد و بر حسب تصادف بر روی او افتاده باشد، خطای محض بوده و دیه‌اش بر ذمه عاقله‌اش می‌باشد.

در صورتی که بر اثر وزش باد افتاده باشد و یا پایش لغزیده و بر روی کسی افتاده باشد جنایتی

که بر او یا دیگری وارد می شود، هدر است.

تبصره

در صورتی که کسی او را از بلندی پرت کرده باشد، پرت کننده ضامن هر گونه جنایتی است که بر دیگران وارد می شود.

۱۰ اگر کسی فردی را در شب دعوت کند و بعد او را از خانه خارج کند و بعد او را کشته بیایند چه کسی ضامن است؟

در صورتی که کسی فردی را شب دعوت کند و بعد او را از خانه خارج کند اگر او را کشته پیدا کنند، اقرب آن است که دعوت کننده، ضامن دیده اش می باشد. اما اگر او را مرده پیدا کنند، در اینکه دعوت کننده ضامن است یا نه؟ محلّ تأمل است. اما در صورتی که او به میل خودش از خانه خارج شده باشد، دعوت کننده ضامن نخواهد بود.

۱۱ اگر دایه در حالت خواب بر روی بچه بغلطد و او را بکشد چه کسی ضامن است؟ در صورتی که دایه در حالت خواب بر روی بچه بغلطد و او را بکشد، اگر شیر دادن به آن بچه افتخاری باشد، دایه از مال خودش ضامن دیده اش می باشد. اما در صورتی که شیر دادن به او به جهت نیازمندی باشد، دیده اش بر عهده عاقله دایه است.

در صورتی که دایه بچه را به اولیائش برگردانده باشد اما آنها منکر شوند دایه تصدیق خواهد شد مگر اینکه به کذب گفته اش عالم باشند که در این صورت، دایه کودک بر عهده اش ثابت می شود تا اینکه کودک یا کسی را که احتمال دارد که همان کودک باشد، حاضر کند. چون او مدعی مرگ کودک نشده است و اگر مدعی مرگ کودک شده بود، گفته اش تصدیق می شود.

تبصره

در صورتی که کنیزی بر پشت کنیزی سوار شود و کنیز دیگری، او را غلغلک دهد بطوری که او برسد و سوار بر زمین بیافتد و بپردد. در روایت آمده است که باید نیمی از دیه را کنیز دوم و نیمی دیگر را کنیز سوم بدهد. و عده ای هم گفته اند، دو سوم دیه بر عهده آنها است که باید هر کدام یک سوم را بدهند و یک سوم بقیه هم ساقط می شود.

تبصره

عبدالله بن طلحه از امام صادق علیه السلام در مورد دزدی که لباسهای را جمع کرده و با زنی نزدیکی کرده و فرزندش را کشته و بعد بوسیله آن زن کشته شده است، روایت نموده که ایشان فرموده اند، خون آن دزد هدر است و چهار هزار درهم از اموال او به عنوان مهریه به آن زن داده می شود و وراثت دزد دایه فرزند آن زن را ضامن خواهند بود.

تبصره

و نیز امام صادق علیه السلام در مورد عروسی که شوهرش وقتی دوست عروس را نزد همسرش در حجله مشاهده می کند او را می کشد و بعد عروس به تلافی از او، شوهرش را می کشد، نقل شده است که ایشان فرمودند عروس بواسطه قتل شوهر، قصاص می شود. ولی قول نزدیکتر به صواب آن است که اگر دوست عروس از شوهر کردن او مطلع بوده، خونش هدر خواهد بود.

تبصره

محمد بن قیس از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که حضرت علی علیه السلام در مورد چهار مست که دو نفرشان مجروح و دو نفر هم کشته شده اند، حکم کرده است که آن دو مجروح دیه دو نفر دیگر را بعد از کسر دیه جراحاتی که بر خودشان وارد شده، ضامن هستند.

تبصره

از امام باقر علیه السلام از حضرت علی علیه السلام درباره شش نوجوانی که به رود فرات رفتند و یکی از آنها غرق شد و بعد دو نفر از آنها بر علیه سه نفر و آن سه نفر هم بر علیه آن دو نفر شهادت دادند که آنها او را غرق کرده اند، نقل شده است که دیه باید به نسبت گواهی گواهان، پنج قسمت شود. البته این حکم اختصاص به همان مورد دارد.

○ آیا کسی که به کودک شنا آموزش می دهد ضامن است؟

کسی که به کودک شنا آموزش می دهد، اگر به علت آموزش جنایتی بر کودک وارد آید، از مال خودش ضامن دیه است، اگر فردی که آموزش می بیند بالغ و رشید باشد آموزش دهنده ضامن نمی باشد.

تبصره

در صورتی که کسی مسجدی را در سر راه طوری بنا کند که راه تنگ شود، و تنگی راه هم علت وارد شدن جنایتی بر فردی شود، بنا کننده مسجد از مال خودش ضامن دیه او است. مگر اینکه راه وسیع باشد و امام علیه السلام هم اجازه داده باشد.

تبصره

اگر کسی سنگی را در ملک دیگری و یا راه مباحی قرار دهد و به سبب آن جنایتی بر فردی وارد گردد، از مال خودش ضامن دیه او است.

○ اگر خراب شدن دیوار کسی سبب وارد آمدن جنایتی بر فردی گردد، آیا صاحب دیوار ضامن است؟

در صورتی که دیوار کسی خراب شود و سبب اتلاف مال یا جان دیگری شود اگر از کج شدن

دیوار مطلع بوده است و بر ترمیم آن هم قدرت داشته و یا اینکه از اول دیوار کج بنا شده بود و کجی آن هم به طرف راه بوده باشد این شخص ضامن خواهد بود و در غیر این صورت ضامن نیست.

تبصره

در صورتی که ظرف و یا امثال آنرا بر روی دیوار قرار دهد و بعد ظرف از روی دیوار بر سر فردی افتاده و سبب تلف او شود، در صورتی که عادتاً بر روی دیوار مستقر شده، ضامن نیست. و همچنین اگر ناودان، بالکن و یا روزنه بر روی کسی بیافتد و سبب وارد آمدن جنایتی بر کسی شود، مشروط به اینکه در نصب آنها کوتاهی صورت نگرفته باشد و به نحو متعارف بر دیوار نصب گردیده باشند، اقرب آن است که ضامن نمی باشد.

○ اگر آتش از ملک کسی به ملک دیگری سرایت کند ضامن است؟

در صورتی که کسی در ملک خودش آتش بیافروزد و باد هم به طور معتدل بوزد و یا بادی نوزد و آتش هم بیشتر از نیازش نباشد. در این صورت اگر آتش به ملک دیگری سرایت و سبب خسارت شود، ضامن نیست. و اگر باد هم بطور ناگهانی بوزد، باز هم ضامن نیست.

ولی در غیر این صورت ضامن است. در صورتی که آتش را در محلی که حق ندارد، روشن کند ضامن جانها و ماله‌های است که بوسیله آتش سوزی تلف شده است.

تبصره

در صورتی که در نگهداری از چهار پایش تقصیر کند بطوری که بر روی چهارپای دیگری وارد شده و سبب وارد آمدن جنایتی در آن چهار شود، ضامن است و اگر بر چهارپای خودش جنایتی وارد گردد، هدر است.

تبصره

بر مالک شتر پر شهوت و سگ گزنده واجب است از آنها خوب نگهداری و مراقبت نماید و در غیر اینصورت اگر از حال آنها باخبر باشد، ضامن هر گونه جنایتی است که بر دیگران وارد آورده‌اند. و اگر به انسانی حمله کنند و انسان هم از خودش دفاع کند و در حین دفاع تلف شوند و یا معیوب شوند، دفاع کننده ضامن نیست. در صورتی که عده‌ای به فردی اجازه دهند که وارد خانه‌اشان شود و بعد سگ خانه جنایتی بر او وارد کند، آنها ضامن خواهند بود.

تبصره

سوار بر چهارپا و کسی که حیوان را از جلو می‌کشد، ضامن جنایتی است که حیوان با دست و یا سرش به دیگران وارد نموده است. اما کسی که حیوان را از پشت می‌راند و یا کسی که دهنه حیوان در دست اوست، ضامن تمام جنایاتی هستند که حیوان با دست، سر و پایش به دیگران وارد می‌کند، در

صورتی که دو نفر بر حیوان سوار باشند هر دو باهم ضامن هستند اگر صاحب حیوان همراه و مراقب آن باشد، خودش ضامن است و کسی که سوار بر حیوان است ضامن نیست در صورتی که صاحب چهارپا آزارم دهد بطوری که کسی که بر حیوان سوار است بر زمین بیافتد، ضامن جنایتی است که بر سوار وارد شده است.

○ در صورت اجتماع عامل مباشر و سبب کدامیک ضامن هستند؟

در صورتی که بین کسی که مستقیماً تلف توسط او انجام شده یعنی عامل مباشر و بین سبب جمع شود، عامل مباشر، ضامن است و سبب ضامن نیست. اما در صورتی که عامل مباشر، جاهل باشد، سبب ضامن است. سبب مثل کسی که چاه را حفر کرده و مباشر مثل کسی که بجای علییه را در چاه پرت کرده ضامن است مگر در صورتی که حفر کننده، سر چاه را پوسانده باشد و پرت کننده از آن اطلاع نداشته باشد که در این صورت فقط حفر کننده ضامن دیه است.

○ در صورتی که در جای دو سبب باهم جمع شوند کدامیک ضامن است؟

در صورتی که دو سبب باهم جمع شوند، سبب مقدم ضامن است. مثل اینکه فردی چاهی را حفر کند و بعد فرد دیگری سنگی را بر سر راه قرار دهد و بعد پای فرد ثالثی به آن گیر کرده داخل چاه بیافتد که در این صورت کسی که سنگ را در آنجا قرار داده است ضامن است. اگر یکی از دو سبب در ملک خودش کاری را انجام داده باشد، ضامن متوجه فرد دیگر است.

تبصره

در صورتی که یک نفر در زبیه یعنی گودالی که برای شکار شیر حفر می شود، بیافتد و بعد به دومی و او به سومی و او به چهارمی بچسبد و بعد همگی در دام شیر بیافتند و آنها را بخورد در روایت محمد بن قیس از امام باقر علیه السلام از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که اولی شکار شیر شده و اهل او باید یک سوم دیه را به دومی به عنوان غرامت بپردازد و دیه‌ای برای اولی نیست چون خودش را در مهلکه انداخته است و دومی دو سوم دیه را به سومی و سومی یک دیه کامل را به چهارمی بدهد. در روایت دیگری هم بیان شده است که یک چهارم دیه به اولی و به دومی یک سوم و برای سومی نصف دیه و برای چهارمی یک دیه کامل باید پرداخت شود. همه این موارد بر عهده عاقله این افرادی می باشد که شیر آنها را دریده است.

○ دیه قتل عمد چقدر است؟

ص ۱۷۵

- دیه قتل عمد یکی از امور ششگانه زیر است که جانی در انتخاب یکی از آنها مختار است.
۱. صد شتر که حداقل پنج سال داشته باشد.
 ۲. دو دست گاو.

۳. دو بست حُلّه (هر حله دو جامه از برد میانی که یکی ازار و دیگری ردا است).

۴. هزار رأس گوسفند.

۵. هزار دینار (هر دینار یک مثقال طلای خالص).

۶. ده هزار درهم.

دیه قتل عمد در طی یکسال از مال جانی پرداخت می شود.

○ دیه قتل شبه عمد چقدر است؟

ص ۱۷۷

دیه قتل شبه عمد هم یکی از امور ششگانه مذکور است با کمی تغییر در مورد اول یعنی یکصد شتر.

۱. صد شتر با این تفاوت که باید سی و چهار شتر پنج سال به بالا که توانائی حامله شدن را داشته باشند و سی و سه شتر دو ساله یا بالاتر و سی و سه شتر سه ساله یا بالاتر.

۲. دو بست گاو.

۳. دو بست حُلّه

۴. هزار رأس گوسفند

۵. هزار دینار

۶. ده هزار درهم

که جانی در اختیار هر یک از این موارد مخیر است.

لذا جانی این دیه را از مال خودش و در طول دو سال به اولیاء مقتول می پردازد. در این مورد

روایت دیگری هم وارد شده است.

ص ۱۸۰

○ دیه قتل خطائی چقدر است؟

دیه قتلی که از روی خطای محض بوده به این ترتیب است.

صد شتر به این ترتیب که بیست شتر ماده یکساله، بیست شتر نر دو ساله، سی شتر ماده دو ساله

و سی شتر نر سه ساله که مجموعاً صد شتر می شود. در این مورد روایت دیگری نیز وجود دارد. دیه

خطا محض در مدت سه سال از مال عاقله جانی به اولیاء مقتول پرداخت می شود. و همچنین عاقله

مجاز است که یکی از امور پنجگانه ای را که قبلاً ذکر شد، به آنها بپردازد.

تبصره

در صورتی که قتل در یکی از ماههای حرام (ذی القعدة، ذی الحجه، محرم و رجب) و یا در حرم

واقع شده باشد، به جهت سختگیری، یک سوم دیه به آن اضافه می شود.

تبصره

در قتل عمد و شبه عمد، جانی مختار است که یکی از امور ششگانه را اختیار کند و در قتل خطائی محض عاقله جانی مختار است یکی از آن امور را اختیار کند.

○ دیه زن، خنثی، مرد ذمی، زن ذمی، بنده و اعضاء و زخمها چقدر است؟

۱. دیه زن نصف دیه مرد است. لذا در هر یک از موارد ششگانه نصف آنها به اولیاء زن مقتوله

پرداخت می شود.

۲. دیه خنثی سه چهارم است.

۳. دیه مرد ذمی هشتصد درهم است.

۴. دیه زن ذمی چهارصد درهم است.

۵. دیه بنده به اندازه قیمت اوست، مگر اینکه قیمتش از دیه مرد آزاد بیشتر باشد که در این

صورت همان دیه مرد آزاد پرداخت می شود.

دیه اعضاء و زخمهای که بر بنده وارد می شود به نسبت دیه مرد آزاد است. لذا در مواردی که دیه

آن از طرف شارع تعیین شده، دیه آزاد اصل است و دیه بنده بر اساس آن سنجیده می گردد. و در

مواردی که دیه آن از سوی شارع معین نشده است به عکس آن عمل خواهد شد. به این ترتیب که

دیه بنده اصل بوده و دیه حرّ بر اساس آن معین خواهد شد و در این رابطه حرّ را بنده فرض می کنند و

بعد قیمتش را در حال سلامت و در حالی که جنایت بر او وارد شده تعیین کرده و نسبت بین این دو

قیمت را با یکدیگر می سنجند و بعد به همان نسبت از دیه گرفته می شود. لذا اگر قیمت بنده سالم،

پانصد دینار و قیمت بنده معیوب چهارصد دینار باشد، یک پنجم از دیه حرّ را به او می دهند. اگر

جنایتی بر بنده وارد شود که دیه آن با قیمتش مساوی باشد، مولای بنده مجاز است که قیمت بنده را از

جانی بگیرد و بنده را به او بدهد و یا اینکه از جانی چیزی نگیرد و بنده را با همان وضع نگهدارد.

○ دیه کندن مو چقدر است؟

ص ۱۹۹

در صورتی که جانی موی سر مرد یا زن و یا ریش مردی را طوری بکند که دیگر نروید، باید دیه

کامل بدهد و اگر دوباره بروید ارش لازم می شود. ولی در مورد موی سر زن مسأله فرق می کند چون

اگر موی سر زن دوباره هم بروید باید دیه ای معادل مهریه زنان مانند او را به او پردازد. دیه کندن

موی ابروها پانصد دینار است. در صورتی که در موارد یاد شده فقط مقداری از موها را بلند، به همان

نسبت دیه ثابت می شود. در مورد کندن موی مژه ها دو قول است. بنا بر قوی دیه و بنا بر قوی هم

ارش ثابت می شود.

ص ۲۰۱

○ دیه کندن چشم چقدر است؟

اگر جانی دو چشم فردی را در آورد، باید دیه کامل بپردازد، اما اگر یکی را در آورد نصف دیه بر عهده اش ثابت است. در این حکم فرقی نمی‌کند که چشم سالم، لوج، ضعیف، مردمک بزرگ و یا اشک ریز باشد.

○ دیه مژه‌ها چقدر است و آیا با دیه چشم تداخل می‌کند؟

اگر هر چهار مژه دو چشم را از بین ببرد باید دیه کامل بپردازد. لذا در هر یک از مژه‌ها یک چهارم دیه ثابت می‌شود. دیه مژه‌ها با دیه دو چشم تداخل نمی‌کند. بنابراین اگر جانی چهار مژه و دو چشم بچنی علیه را در آورد دو دیه بر عهده او واجب می‌شود.

تبصره

فردی که بطور مادرزادی یک چشم است یا به آفت سماوی یک چشم است و یا اینکه به سبب دیگری یک چشمش را از دست داده، ولی مستحق دیه نبوده است. اگر کسی آن چشم را در آورد، باید دیه کامل بپردازد، اما اگر مستحق دیه بوده ولی آن را نگرفته باشد، فقط نصف دیه بر عهده جانی ثابت می‌شود. در صورتی که چشم فاسد را ناقص کند، یک سوم دیه چشم سالم را باید به بچنی علیه بپردازد.

ص ۲۰۶

○ دیه قطع گوش چه مقدار است؟

اگر هر دو گوش کسی را قطع کند باید دیه کامل بپردازد. و اگر یکی را قطع کند، نصف دیه را باید بپردازد. و در صورتی که مقداری از گوش را ببرند مثلاً نیمی از یک گوش را ببرد یک چهارم دیه کامل ثابت می‌شود. اگر نرمه گوش را ببرد یک سوم دیه ثابت می‌شود. و همچنین اگر گوش را سوراخ کند باید یک سوم دیه را بپردازد.

ص ۲۰۷

○ دیه بریدن بینی چقدر است؟

اگر بینی کسی را ببرد (چه آن را از بیخ ببرد و یا اینکه تنها نرمه آن را ببرد) باید دیه کامل بدهد. اگر بینی را بشکند بطوری که بینی فاسد شود باید دیه کامل بدهد. اما اگر درمان شود، فقط باید صد دینار بدهد. در صورتی که پرده بین دو سوراخ بینی را ببرد باید دو سوم را بدهد. در هر سوراخ بینی یک سوم دیه ثابت می‌شود.

ص ۲۰۹

○ از بین بردن دلی چقدر دیه دارد؟

در قطع هر یک از دو لب، نصف دیه ثابت می‌شود. و عده‌ای گفته‌اند، در قطع لب پائین یک سوم دیه ثابت می‌شود. و اگر قسمتی از یک لب را ببرد، به نسبت کل دیه، محاسبه می‌شود. مثلاً اگر یک سوم آنرا ببرد، یک ششم دیه ثابت می‌شود و در صورتی که به سبب جنایت دلب سست شوند دو

سوم دیه ثابت می شود و اگر لبها درهم کشیده شوند بطوری که روی دندانها پوشیده نشود، ارش ثابت خواهد شد.

ص ۲۱۲

○ دیه قطع زبان چیست؟

در صورتی که زبان از بیخ بریده شود و یا به مقداری قطع شود که تکلم ممکن نباشد، باید دیه کامل بپردازد. اما اگر نتواند بعضی از حروف را تکلم کند به همان نسبت، دیه ثابت می شود. مثلاً اگر زبان طوری قطع شود که بجای علیّه نتواند یک سوم حروف را تکلم نماید، یک سوم دیه ثابت می شود. اگر زبان لالی را قطع کند باید یک سوم دیه را بدهد.

در صورتی که فرد سالی ادعا کند که به دلیل جنایتی که به او وارد شده لال شده است، پنجاه قسم یاد می کند و ادعایش قبول می شود. عده ای هم گفته اند با سوزنی زبان او را می خراشند اگر از آن خون سیاه بیرون بیاید ادعایش ثابت می شود و در صورتی که خون قرمز بیرون بیاید، ادعایش قبول نمی شود.

○ دیه دندان چقدر است؟

اگر دندانهای کسی را در آورد، باید دیه کامل بپردازد. دندانها، بیست و هشت عدد است. دیه بر تمامی دندانها قسمت می شود. دیه دوازده دندان جلوی، ششصد دینار است. و دیه شانزده دندان پشتی چهار صد دینار می باشد. دیه دندانهای که از اول روئیدن سفید یا سیاه و یا زرد بوده اند، یکنواخت است.

دیه دندان به واسطه کندن ثابت می شود. دندان اضافی که از این بیست و هشت عدد بیشتر بوده، در صورتی که به تنهایی کنده شود دیه اش یک سوم دندان اصلی و اگر با دندان اصلی کنده شود، دیه ندارد.

در صورتی که دندان بر اثر جنایت، سیاه و یا لق شود ولی نیافتد، دو سوم دیه دندان ثابت می گردد. عده ای گفته اند اگر لق شود، ارش ثابت می شود. در صورتی که دندان کودک بر اثر جنایت افتاده باشد، مدتی صبر می شود اگر دندان تازه برآید، ارش ثابت می شود و الا دیه اش همانند فردی است که دندان شیریش ریخته و دندان اصلی در آورده است و شیخ طوسی و علامه حلی گفته اند، دیه دندان کودک یک شتر است.

○ دیه شکستن استخوان چه مقدار است؟

۱. اگر استخوانهای چانه که دندانها بر روی آنها قرار دارد، شکسته شود، باید دیه کامل بدهد و اگر دندانها به همراه چانه شکسته شوند، دو دیه کامل باید بپردازد.

۲. در صورتی که گردن شکسته و کج شود و یا مانع از فرو بردن غذا شود، باید دیه کامل پرداخت

- کند. البته اگر عیب برطرف شود فقط ارش ثابت می‌شود.
۳. اگر هر یک از دو دست بریده شود، نصف دیه ثابت می‌شود و اگر هر دو دست بریده شود باید دیه کامل بپردازد. حد بریدن که با آن دیه ثابت می‌شود، میج دست است، لذا اگر میج دست قطع شود، دیه ثابت می‌شود.
۴. بریدن پنج انگشت دست به منزله قطع آن دست است، لذا نصف دیه ثابت می‌شود. یعنی به هر یک از انگشتان یک درهم دیه کامل، تعلق می‌گیرد. در صورتی که در هنگام بریدن دست، مقداری بالاتر از میج دست بریده می‌شود، در آن مقدار اضافی ارش ثابت می‌شود.
۵. در بریدن دو بازو و ساق دو دست، دیه کامل ثابت می‌شود.
۶. در بریدن دست اضافی ارش ثابت می‌شود.
۷. در بریدن یک انگشت، یک دهم دیه ثابت می‌شود.
۸. در بریدن انگشت اضافی، یک سوم دیه انگشت اصلی یعنی یک سی‌ام دیه کامل ثابت می‌شود.
۹. در بریدن انگشت فلج، یک سوم دیه انگشت سالم ثابت می‌شود.
۱۰. دیه کندن ناخن، مشروط به اینکه دوباره در نیاید و یا اینکه ناخن سیاه در آید، ده دینار است. اما اگر ناخن سفید در آید، دیه‌اش پنج دینار است.
۱۱. در صورتی که کمر شکسته یا خمیده شود، دیه کامل ثابت می‌گردد اما اگر درمان شود، یک سوم دیه ثابت می‌گردد. در صورتی که کمر شکسته شود و هر دو پا فلج گردد، برای شکسته شدن کمر، یک دیه کامل و برای فلج شدن دو پا، دو سوم دیه ثابت می‌گردد. و در صورتی که طوری کمر شکسته شود که قدرت راه رفتن و نزدیکی کردن نداشته باشد، دو دیه کامل ثابت می‌گردد.
۱۲. دیه قطع نخاع دیه کامل است.

○ دیه قطع پستانها چقدر است؟

بریدن هر یک از پستانهای زن سبب ثابت شدن نصف دیه است. و اگر هر دو را ببرد، دیه کامل ثابت می‌گردد. اگر موجب بند آمدن شیر زن گردد، و یا سبب گردد که شیر از پستان به سختی خارج گردد، باید ارش بپردازد.

بنظر شیخ طوسی، در بریدن سر دو پستان زن و مرد، دیه کامل ثابت می‌شود. و عده‌ای هم گفته‌اند در بریدن سر دو پستان مرد یک چهارم دیه و سر یک پستان یک هشتم دیه ثابت می‌گردد.

○ دیه قطع آلت تناسلی چقدر است؟

در صورتی که آلت تناسلی مرد از بیخ یا سر آن بریده شود باید دیه کامل بپردازد. اگر چه دو بیضه او کشیده شده باشد. در صورتی که قسمتی از سر آلت را ببرند به همان نسبت که بریده شده، دیه ثابت

می‌گردد. بریدن آلت عنین یعنی فردی که شهوت جنسی ندارد، یک سوم دیه ثابت می‌گردد.

○ قطع هر دو بیضه چقدر دیه دارد؟

در صورتی که هر دو بیضه قطع شود دیه کامل ثابت می‌گردد. و اگر یکی از آنها بریده شود، نصف دیه ثابت می‌گردد. شیخ طوسی و علامه حلی گفته‌اند در بریدن بیضه چپ دو سوم دیه و در بریدن بیضه راست یک سوم دیه ثابت می‌گردد. در صورتی که هر دو بیضه را باد نماید، چهار صد دینار ثابت می‌گردد. اگر باد کردن بیضه سبب شود که پاشنه‌های پا از هم دور و سینه‌های پا به هم نزدیک شوند و شخص قادر به راه رفتن نباشد دیه‌اش هشتصد دینار است.

تبصره

در صورتی که گوشت دو طرف فرج زن بریده شود چه زن سالم باشد و چه رتقا و یا باکره یا نثیه، دیه کامل ثابت خواهد شد. بریدن زهار زن سبب ارش است.

تبصره

در صورتی که سبب افضای زن شود یعنی این که مجرای ادرار و حیض زن یکی گردد، دیه کامل ثابت خواهد شد و در صورتی که توسط شوهر زن و بعد از بلوغ انجام گرفته باشد، دیه ساقط می‌گردد، ولی در صورتی که قبل از بلوغ انجام گرفته باشد، همراه مهریه، ضامن دیه او نیز خواهد بود. و باید نفقه او را بپردازد تا اینکه یکی از آنها بمیرد.

تبصره

در صورتی که دو کیل بریده شود، دیه کامل ثابت می‌گردد و اگر یکی از آنها بریده شود، نصف دیه ثابت خواهد شد.

○ دیه بریدن پا چقدر است؟

در صورتی که دو پای کسی را ببرد دیه کامل ثابت می‌گردد، و اگر یکی را ببرد، نصف دیه ثابت خواهد شد. حد بریدن، مفصل ساق پا است. اگر همه انگشتان را ببرد، دیه کامل ثابت می‌گردد. لذا اگر هر یک از آنها بریده شود، یک دهم دیه ثابت خواهد شد. دیه هر انگشت بر سه بند آن بطور یکسان و دیه انگشت شصت بر دو بند آن قسمت می‌گردد. اگر دو ساق پا تا زانو بریده شود، دیه کامل ثابت می‌گردد. و نیز اگر دو ران پا قطع کند باید دیه کامل بدهد.

تبصره

در صورتی که استخوان ترقوه شکسته و بعد معالجه شود، باید چهل دینار دیه بدهد.

تبصره

با شکستن استخوان هر عضوی یک پنجم دیه آن عضو ثابت می‌شود. اگر آن عضو صحیح و سالم

شود، چهار پنجم دیه شکستن آن ثابت خواهد شد.

تبصره

در صورتی که زخمی که به عضو وارد شده، به استخوان برسد بطوری که سفیدی آن آشکار شود، یک چهارم دیه شکستن آن عضو یعنی یک بیستم دیه همان عضو، ثابت خواهد شد. اگر استخوان عضوی کوفته گردد، دو سوم دیه همان عضو ثابت می‌گردد و اگر معالجه شود، چهار پنجم دیه کوفتگی همان عضو ثابت می‌گردد. در صورتی که استخوان از محلش طوری جدا شود که عضو باطل و از کار افتاده شود، دو سوم دیه عضو ثابت خواهد شد و اگر معالجه شود، چهار پنجم دیه جدا شدن آن عضو ثابت می‌گردد.

تبصره

دیه هریک از دنده‌های که مجاور قلب قرار دارد، بیست و پنج دینار است. اما دیه دنده‌های که مجاور بازو قرار دارد، اگر بشکند دینار ده دینار است.

تبصره

در صورتی که استخوان نشیمنگاه طوری شکسته شود که قدرت کنترل مدفوع از مجنی علیه سلب گردد، باید دیه کامل بدهد، اما اگر ضربه به میان بیضه و حلقه دُبر وارد شود به طوری که قدرت کنترل مدفوع و ادرار از او سلب گردد، در روایتی آمده است که باید دیه کامل بدهد.

تبصره

در صورتی که با انگشت، بکارت دختری را زایل کند و مثانه او را پاره نماید بطوری که قدرت کنترل ادرار از او سلب گردد، دیه زن و مهریه زنهای همسان او بر جانی ثابت می‌گردد، و عده‌ای هم گفته‌اند یک سوم دیه زن را باید بدهد.

تبصره

در صورتی که با پا شکم کسی را طوری فشار دهد که باد، ادرار و یا مدفوع از او خارج گردد، به همین ترتیب قصاص می‌شود و بنابر روایتی یک سوم دیه بر او واجب می‌شود.

❖ اگر عقل زایل شود چقدر دیه باید پردازد؟

در صورتی که عقل کسی را زایل کند، باید دیه کامل بدهد، اگر مقداری از منفعت عقل از بین برود به همان نسبت باید دیه بدهد، و تعیین مقداری که از بین رفته بوسیله حاکم انجام گیرد. در صورتی که بر اثر زخمی که بر سر وارد شده، عقل زایل شود، دیه جراحت و دیه زایل شدن عقل تداخل نمی‌کند و هریک بطور جداگانه محاسبه خواهد شد.

در صورتی که اهل خبره حکم به زوال آن کرده باشند، اما بعد از مدتی شخص سلامت عقلی‌اش

را بدست آورد، دیه به جانی برگردانده نمی‌شود.

○ در صورتی که شنوائی زایل شود، چقدر دیه باید بدهد؟

در صورتی که شنوائی فردی زایل شود، و از بهبودی آن مایوس باشند، باید دیه کامل بدهد؛ در صورتی که امیدی به درمان آن باشد، صبر می‌کنند. اگر درمان نشد باید دیه کامل بدهد. و اگر شنوائی او درمان شود، ارش ثابت می‌گردد.

در صورتی که جانی و مجنی علیه در از بین رفتن شنوائی با همدیگر اختلاف نمایند، در مورد شنوائی او تحقیق می‌شود مثلاً او را در هنگام صدای بلند و رعد و برق امتحان می‌کنند. اگر حال او مشخص شود، بر اساس آن عمل می‌شود و الاً مجنی علیه، پنجاه مرتبه قسم می‌خورد. اگر شنوائی یک گوش از بین رفته باشد، نصف دیه ثابت می‌گردد، اما اگر شنوائی، گوشی کم شود یا شنوائی گوش دیگر مقایسه می‌گردد. ولی اگر شنوائی هر دو گوش کم گردد، با شنوائی همسالانش مقایسه می‌گردد.

○ دیه از بین رفتن بینائی چشم چقدر است؟

در صورتی که بینائی هر دو چشم زایل شود، باید دیه کامل بدهد اما اگر فقط بینائی یک چشم زایل شود، نصف دیه ثابت می‌گردد. مشروط به اینکه دو شاهد بر آن شهادت دهند یا جانی خودش مجنی علیه را تصدیق کند اگر جنایت عمدی باشد شهادت یک مرد و دو زن کافی خواهد بود. اگر شاهدهی نباشد و چشم هم بر جای خودش باشد مجنی علیه پنجاه قسم یاد می‌کند.

در صورتی که مجنی علیه، مدعی شود که بینائی یک چشمش به سبب جنایت کم شده اسیت، با بینائی چشم دیگر مقایسه می‌گردد. و در صورتی که مدعی شود بینائی هردو چشمش کم شده، با بینائی همسالان او مقایسه می‌گردد. و در این صورت اگر مسافتهای چهارگانه برابر بودند، تصدیق و الاً تکذیب می‌شود.

○ دیه زایل نمودن بویای چه مقدار است؟

ص ۲۵۹

اگر جانی بویایی مجنی علیه را زایل کرد، باید دیه کامل بپردازد. در صورتی مجنی علیه ادعا نماید که بویای اش از بین رفته است، او را با بوهای خوش و بد امتحان می‌کنند. اگر حال او معلوم گردد بر همان حکم می‌شود و الاً باید پنجاه مرتبه قسم یاد کند. و در روایت است که سوخته چخماق را به بینی اش نزدیک می‌کنند اگر از چشمانش اشک جاری شود و بینی اش را کشید، دروغ‌گو است و الاً راست می‌گوید.

در صورتی که ادعا نماید بویای اش کم شده است. عده‌ای گفته‌اند، قسم می‌خورد و حاکم طبق نظر خودش بر علیه جانی حکم می‌کند.

در صورتی که جانی بینی بجنی علیه را ببرد به طوری که بویای اش هم از بین برود، دو دیه بر علیه او ثابت می گردد.

○ دیه زایل کردن چشایی چقدر است؟

در صورتی که جانی، حس چشایی بجنی علیه را زایل کند، باید دیه کامل بدهد. در موردی که احتمال دارد که چشایی از بین رفته باشد ادعای بجنی علیه با قسم پذیرفته می شود.

تبصره

در صورتی که جنایت سبب شود، انزال منی در موقع نزدیکی، متعذر گردد، جانی باید دیه کامل بپردازد.

تبصره

در صورتی که جنایت سبب گردد، نگهداری ادرار ضعیف گردیده و بی اختیار ریزش نماید، جانی باید دیه کامل بدهد و عده ای هم گفته اند اگر ریزش ادرار تا شب ادامه یابد، باید دیه کامل بدهد و در صورتی که فقط تا ظهر ریزش داشته باشد، دو سوم دیه ثابت می گردد. و در صورتی که تا بالا آمدن روز ریزش ادرار ادامه یابد، یک سوم دیه در آن ثابت می گردد.

○ زایل کردن صدا چقدر دیه دارد؟

در صورتی که جانی صدای کسی را زایل کند، باید دیه کامل بپردازد.

○ زخمهای سر و صورت بر چند قسم است و دیه هر کدام چقدر است؟

۱. حارصه: زخمی که در آن پوست شکافته می شود که دیه اش یک شتر است.
۲. دامیه: زخمی که کمی گوشت فرو رفته می شود که دیه اش دو شتر است.
۳. باضعه: زخمی که مقدار زیادی در گوشت فرو رفته است که به آن متلاحمه نیز می گویند. که دیه اش سه شتر است.
۴. سمنحاق: زخمی که به پوسته روی استخوان برسد که دیه اش چهار شتر است.
۵. موضحه: زخمی که استخوان نمایان گردد، که دیه اش پنج شتر است.
۶. هاشمه: زخمی که در آن استخوان هم شکسته می شود. که دیه اش ده شتر است. اگر جنایت خطای محض بوده، این ده شتر باید از چهار نوع شتری باشد که در دیه قتل خطائی گفته شد، اما اگر شبه عمد باشد، باید از سه نوع شتری باشد که در قتل شبه عمد گفته شد. لذا در خطای محض باید دو شتر ماده یکساله، دو شتر نر دو ساله، سه شتر ماده دو ساله و سه شتر نر سه ساله دیه بدهد. و در شبه عمد، چهار شتر پنج ساله، (که قابلیت ایستادن شدن را داشته باشد) سه شتر دو ساله و سه شتر سه ساله دیه بدهد.

۷. منقله: زخمی که بجنی علیه را مجبور می کند استخوانش را جایجا نمایند. که دیده اش پانزده شتر است.

۸. المأمومه: زخمی که به ام الرأس رسیده باشد. ام الرأس لایه نازکی است که گرداگرد مغز که مغز در آن قرار گرفته است. دیه این زخم سی و سه شتر است.

۹. دامغه: زخمی است که ام الرأس را می شکافد و امیدی به بهبودی دوباره بجنی علیه نمی باشد. در این صورت اگر فوت کند، دیده کامل ثابت خواهد شد و بر فرض اگر درمان شود، عده ای گفته اند، علاوه بر دیه سی و سه شتر باید مقداری را هم به عنوان ارش پردازد.

۱۰. جائفه زخمی است که از گودی گلو، به درون شکم برسد. که در آن یک سوم دیده ثابت می گردد.

۱۱. زخمی که به درون بینی نفوذ کند، یک سوم دیده در آن ثابت می گردد. در صورتی که درمان شود، یک پنجم دیده در آن ثابت می گردد. و زخمی که فقط به سوراخ یک بینی نفوذ کرده یک دهم دیده ثابت می گردد.

۱۲. زخمی که لبها را بشکافد بطوری که دندانها نمایان گردد، یک سوم دیده لبها ثابت می گردد و در صورتی که درمان شود، یک پنجم دیده لبها ثابت می گردد.

۱۳. در صورتی که بر اثر جنایت (مثل سیلی) صورت سرخ گردد، یک و نیم دینار و اگر سبز گردد سه دینار و اگر سیاه شود، شش دینار باید دیده بدهد. اگر این سه حالت در اعضای دیگر بدن بوجود آید، دیده اش نصف آنچه است که بیان شد.

دیه زخمهای که بیان شد در سر و صورت یکسان است و دیده زخمهایی سایر اعضای بدن، بنسبت دیه آن به دیه سر است. مثلاً در صورتی که زخم حارمه بر دست باشد، دیده اش نصف شتر و اگر بر بند انگشت شصت باشد، دیده اش یک بیستم شتر خواهد بود.

دیه زخمی که در عضوی از اعضای مرد نفوذ نموده یکصد دینار می باشد.

تبصره

تمامی دینارهای بیان گردیده مربوط است به صاحب دیه کامل و مراد از صاحب دیه کامل مرد و زن مسلمان آزاد می باشد. دیه زخمهای مذکور در بنده و کافر ذمی نسبت به دیه نفس محاسبه می گردد. مثلاً دیه نافذ در کافر ذمی هشت دینار و در بنده یک دهم قیمت او می باشد.

○ معنای حکومت و ارش در این مباحث چیست؟

معنای حکومت و ارش یکی است و آن اینکه بر فرض مملوک بودن بجنی علیه باید در فرض سلامت و جنایت و معیوب بودن قیمت شود و بعد این دو قیمت با یکدیگر ملاحظه شده و به نسبت

آن دیه گرفته شود. مثلاً اگر بنده‌ای در حالت صحت ده دینار و در حالتی که جنایت بر او وارد شده و معیوب است، نه دینار قیمت شود، دیه جنایتی که بر او وارد گردیده است یک دهم دینار است. در این مورد بنده برای آزاد اصل است همانطور که در زخمهای مذکور آزاد برای بنده اصل است. لذا اگر بجای علیه بنده باشد، مولایش تفاوت دو قیمت را به عنوان دیه می‌گیرد.

تبصره

اگر کسی ولی نداشته باشد، حاکم شرع ولی او خواهد بود و قصاص او را در صورت عمدی بودن جنایت از جانی می‌گیرد. و شیخ طوسی و پیروانش گفته‌اند، برای حاکم شرع جایز نیست که قصاص و یا دیه را ببخشد.

○ دیه جنین چه مقدار است؟

ص ۲۸۸

نطفه‌ای که در رحم استقرار یافته و آماده رشد می‌باشد، دیه‌اش بیست دینار است. به این معنی که صرف القاء و استقرار نطفه دیه‌اش بیست دینار است. در صورتی که فردی سبب گردد، مرد در موقع نزدیکی نطفه را در خارج از رحم بریزد، ولو اینکه این شخص خود زن باشد، باید ده دینار دیه بدهد. دیه علقه چهل دینار و مضغه شصت دینار است و اگر استخوان در نطفه پدید آمده باشد، دیه‌اش هشتاد دینار است و در صورتی که خلفت او کامل شده باشد ولی هنوز روح در او دمیده نشده باشد، دیه‌اش صد دینار است. (چه پسر باشد چه دختر)

در صورتی که والدین جنین ذمی باشند، دیه‌اش هشتاد درهم است و در صورتی که مملوک باشد، دیه‌اش یک دهم قیمت مادرش می‌باشد. در این موارد قتل جنین کفاره ندارد. چون وجوب کفاره مشروط به دمیده شدن روح است.

○ در صورتی که روح در جنین دمیده شده باشد، دیه‌اش چقدر است؟

اگر در جنین روح دمیده شده باشد، برای پسر دیه کامل و برای دختر نصف دیه ثابت می‌گردد. اگر معلوم نباشد که پسر است یا دختر (به این معنی که مادر و جنین باهم فوت کنند و فقط بدانیم که روح در آن دمیده شده بود) نصف مجموعه دیه پسر و دختر یعنی سه چهارم دیه کامل، ثابت می‌گردد. اگر کسی در قتل جنینی که روح در او دمیده شده مشارکت داشته باشد، علاوه بر دیه کفاره هم بر او واجب می‌گردد. بر خلاف موردی که با واسطه و به تسبیب موجب قتل جنین شده است.

دیه قطع اعضاء و یا زخمی کردن اعضای جنین، به نسبت دیه جنین محاسبه می‌گردد. مثلاً در بریدن دست پسر پنجاه دینار دیه ثابت می‌گردد.

در صورتی که مادر جنین کنیز باشد، قیمت او را در هنگام جنایت محاسبه می‌نمایند. نه هنگامی که

جنین را سقط نموده است.

در جنایت عمد و شبه عمد، دیه جنایت از مال جانی برداشته می شود و در جنایت خطای محض، از مال عاقله جانی بر می دارند.

○ دیه بریدن سر و سایر اعضای مسلمان مرده چقدر است؟

اگر سر را مسلمانان که مرده است، از تن جدا کند، صد دینار باید به عنوان دیه بپردازد. اگر سایر اعضای او را زخمی کند مثل سر و صورت، دیه اش به نسبت محاسبه می شود. این دیه به ارث به وارث منتقل نمی شود بلکه در موارد دیگری که موجب رضای خدا باشد، صرف می گردد.

○ عاقله چه کسانی هستند؟

در مواردی پرداخت دیه به امر شارع بر عهده عاقله است. عاقله به کسانی گفته می شود که بواسطه پدر یا قاتل خویشاوندی دارند. مثل برادران و یا عموهای قاتل. ولو اینکه در هنگام قتل از قاتل ارث نبرند.

زن، کودک، دیوانه و کسی که در هنگام مطالبه دیه فقیر می باشد، جزء عاقله به حساب نمی آیند. ولی پدرها و فرزندها از عاقله به حساب می آیند.

در صورتی که قاتل خویشاوندی نداشته باشد، معتق قاتل (آزاد کننده قاتل)، ضامن جریره و بعد از او امام دیه او را می پردازد.

عاقله در قتل عمد و شبه عمد، ضامن دیه نمی باشد و همچنین ضامن جنایتی که بر چهارپا یا بنده وارد شده نمی باشند. اما ضامن جنایتی هستند که جانی از روی خطای محض بر بنده وارد کرده است. عاقله ذمی خود او می باشد، و اگر قادر به پرداخت دیه نباشد، دیه اش را امام می پردازد.

○ دیه را عاقله چگونه باید پرداخت کند؟

دیه را امام به تشخیص خودش بر عاقله قاتل توزیع و تقسیم می کند و عده ای هم گفته اند در صورتی که ثروتمند باشد، یک دوم دینار و در صورتی که فقیر باشد باید یک چهارم دینار بپردازد. ولی اقرب آن است که دیه را خویشاوندان پدری به ترتیب طبقات ارث پرداخت می کنند. به این ترتیب که نخست طبقه اول مکلف به پرداخت آنها هستند و اگر آنها نتوانستند طبقه دوم و اگر آنها هم نتوانستند طبقه سوم باید دیه را بپردازند. در صورتی که پدر از روی قصد و عمد فرزندش را به قتل برساند، دیه اش را باید به فرزندان او بدهد و خودش از آن سهمی ندارد. و در صورتی که وارثی غیر از پدر نداشته باشد، به امام می رسد. ولی در صورتی که فرزندش را از روی خطا به قتل برساند، دیه او بر عهده عاقله پدر خواهد بود. و به پدر از آن سهمی به ارث نمی رسد.

○ در چه مواردی کفاره واجب می گردد؟

۱. پیش از این درباره کفاره در کتاب کفارات بحث شد. اگر قاتل خودش مباشراً قتل را انجام

نداده باشد، بلکه مسبب قتل باشد، بر او کفاره واجب نیست، مثل کسی که سنگی را در وسط راه قرار داده و بعد پای کسی به آن گیر کرده سی افتد و می میرد و یا کسی که چاقوی را در بیرون از ملکش قرار می دهد و بر اثر آن فردی به قتل می رسد.

۲. اگر کسی کودک و یا دیوانه ای را به قتل برساند، کفاره واجب می گردد ولی اگر کافری را به قتل برساند، کفاره واجب نمی شود.

۳. در صورتی که چند نفر با مشارکت همدیگر فردی را به قتل برسانند، بر هر کدام از آنها یک کفاره واجب می شود.

در قتل عمد اگر قبل از آنکه کفاره بدهد، خودش کشته شود، کفاره های سه گانه (یعنی آزاد کردن، روزه گرفتن و اطعام نمودن) از اصل مالش خارج می گردد.

○ اگر حیوانی را تلف کند چقدر باید دیه بدهد؟

در صورتی که فردی بر حیوانی که قابل تذکیه می باشد جنایت وارد کرده و آنرا با تذکیه تلف نماید باید ارزش آن حیوان را بپردازد. یعنی باید تفاوت قیمت زنده و حالت تذکیه شده اش را به مالک بدهد. قول نزدیکتر به صواب آن است که مالک حق ندارد، که قیمت حیوان را از جانی مطالبه و آنرا به او تحویل دهد.

در صورتی که حیوان قابل تذکیه را بدون تذکیه تلف کرده باشد (بدون آنکه حیوان را غصب کرده باشد) قیمت حیوان را در روز تلف، برای مالک ضامن خواهد بود. و در صورتی که از مردار حیوان چیزی باشد که ارزش دارد، مثل مو از قیمت حیوان کم می شود.

در صورتی که حیوان را معیوب نماید، باید ارزش آنرا به مالک بپردازد.

در صورتی که حیوان تلف شده قابل تذکیه نبوده باشد به این ترتیب باید عمل کند.

۱. اگر سگ شکاری را تلف کند، باید چهل درهم بدهد. و عده ای هم گفته اند که باید قیمت آنرا به مالک بپردازد.

۲. اگر سگ گله را تلف کند، باید یک بره به مالک بدهد. و عده ای گفته اند بیست درهم باید به عنوان غرامت به مالک بپردازد.

۳. در صورتی که سگ باغ و امثال آنرا تلف نماید، باید بیست درهم به مالک بپردازد.

۴. در صورتی که سگ کشتزار را تلف نماید، باید یک قفیز طعام بپردازد. و اگر سگهای دیگر را تلف کند، چون در این موارد مقدار و اندازه خاصی وارد نشده است، ضمانی هم متوجه جانی نمی باشد.

۵. در صورتی که خوک کافر ذمی را بکشد، اگر مالک آنرا پنهان کرده باشد ضامن قیمت آن حیوان در نزد کسانی که آنرا حلال می دانند، خواهد بود. و نیز اگر مسلمانی شراب یا وسایل لهو کافر

ذمی را تلف کند، ضامن قیمت آنها می باشد مشروط به اینکه آنها را پنهان کرده باشد.
 بر خلاف جانی، غاصب ضامن قیمت سوقی سگ می باشد، مشروط به اینکه قیمت سوقی آن کمتر
 از قیمت شرعی آن که در مورد جانی مقرر شده نباشد.

تبصره

صاحب حیوان ضامن جنایتهای است که حیوان در شب مرتکب می گردد. ولی ضامن جنایتهایی
 نیست، که در روز انجام می دهد ولی عده ای از فقها ضمان صاحب حیوان را مشروط به مواردی
 کرده اند که در نگهداری از آن تفریط و کوتاهی شده باشد. در روایتی از حضرت علی علیه السلام
 درباره چهار نفری که در شتری شریک بودند و یکی از شرکاء پایش را بسته بود ولی بعد شتر در
 چاهی افتاد و پایش شکست، نقل شده است که ایشان حکم به ضمان بقیه شرکاء کرده اند به این دلیل
 که این فرد شتر را با بستن پایش حفظ کرده بود ولی بقیه آن را ضایع کرده اند، لذا ضامن سهم این
 شریک خواهند بود.